

## بهروز سورن: نیمه شب نوشته‌ها - 34 - استبدادنوینی که در اوین سر بلند می‌کند!



بخشی از زندانیان سیاسی از انحصارطلبی و تنگ نظری زندانیان سیاسی غالباً متعلق به طیف اصلاح طلبان در درون زندان به تنگ آمده‌اند و این نکته را به اطلاع عموم رسانده‌اند. گزارش کرده‌اند که استبدادی جدید در راه است و با نوشته خود افکار عمومی ایرانیان را مورد توجه قرار می‌دهند که اجزاء پدیده دیکتاتوری نوین در حال شکل‌گیری هستند. این نوشته هشدار می‌دهد که بر وظایف آزادیخواهان و آزادمنشان و همه آنان که در پی دموکراسی برای فردای کشورمان هستند، میافزاید. با خواندن درنامه این زندانیان که حق دخالت و اندیشه حتی روی روزنامه دیواری زندان به بهانه‌های مختلف از آنان سلب می‌شود، میتوان دریافت که معضل جنبش آزادیخواهان و برابری طلبان نه تنها در میان اپوزیسیون خارج که در داخل کشور نیز در همان اندازه‌ها مشهود است و بار دیگر در می‌یابیم که (در بر همان پاشنه می‌چرخد که بیش از سه دهه پیش می‌چرخید). در می‌یابیم که هنوز راه درازی تا شناخت دموکراسی و اعتقاد به آن در پیش است و هنوز مبارزه با تعلقات دیکتاتور مآبانه و سرکوب اقلیت‌های نظری نه تنها ضروری که لازم است.

تنگ نظری و انحصارطلبی چنانچه بتوان آنرا برابر با تمامیت‌گرایی دانست اما پیامدهای مخرب و خونبار آن پس از تسلط و حکومتگری را نمیتوان حقیر دانست. هیولائی است که ذره ذره شکل می‌گیرد و بپا می‌خیزد بدون آنکه استبداد وقت رفته باشد.

اصلاح طلبان که رفتار سیاسی آنان و ناهنجاری‌های سیاسی آنان را در روند شکل‌گیری و اوج جنبش‌های خیابانی در یاد داریم و هراس آنان در رادیکالیزه شدن این جنبش‌ها را در خاطرات خود حک کرده ایم امروز در مقام زندانی سیاسی نه در پی دفاع از حرمت و هویت عام زندانی سیاسی که در پی خفه کردن آنهایی هستند که از جنس نظری آنها نیستند و بجرم اندیشه ورزی در شرایطی دشوار و در دخمه‌های مخوف استبداد حاکم‌اند. هم از اینروست که عملکرد این طیف در زندان و در برابری سایرین دگر اندیش افقی سراسر تیره و پر ابهام در برابر مردم کشورمان تصویر می‌کنند.

بیاد دارم که در سالهای ابتدائی دهه شصت در زندان اصفهان درد مشترک و سرنوشت احتمالی یگانه زندانیان سیاسی این طیف را بیکدیگر نزدیک کرده بود و سوای آنان که به همکاری با رژیم در زندان‌ها می‌پرداختند. صفوف خودی و غیر آنان قابل تمیز نبود. سفره‌های زندانیان بندرت هم‌رنگ بودند و گاه‌ها رنگین‌کمانی از زندانیان سیاسی با تعلقات نظری تشکیلاتی متنوع داشتند.

سلولها زندانیان متفاوت سازمانی و مستقل را در خود جای داده بودند و بندرت موارد اختلاف در میان آنان مشاهده می‌شد. گرایش به اتحاد و همبستگی در میان آنان چنان بود که گاه‌ها در حد شایعه اتحاد

سازمان ها در داخل و خارج کشور با بزرگنمائی هائی در میان زندانیان سیاسی انتشار می یافت و انگیزه ای دو چندان برای تحمل شرایط دشوار مکان فراهم می آورد. شوری دیگر بپا می کرد و بنی آدم را بیکدیگر نزدیک تر!

بر خلاف تمایل عمومی به همبستگی در زندان ها اما شنیده می شد که فرقه گرائی و تفرقه افکنی از ابزار برخی از گرایشات موجود در زندان ها بوده است که بزرگترین لطمات روحی را بر سایرین وارد می آورد و در فروپاشی مقاومت و پایداری بسیاری از زندانیان سیاسی دخالت موثر داشته است.

رفتار انحصارگرایانه زندانیان اغلب اصلاح طلب در درون زندان اوین و حتی بایکوت زندانیان سیاسی چپ و مستقل و مجاهدین از سوی این طیف نه تنها موجب تشدید فشار بر آنان که تحمیل شرایط دشوار تری برای آنان از سوی سازمان زندان شده است.

چنانچه زندانیان سیاسی را در هر کجا که گرفتارند، بخشی از نخبگان و سیاست ورزان و نقطه امید در نظم آتی کشورها بدانیم میتوانیم اندیشه کنیم که دمکراسی خواهی و اعتقاد و باور به آن از درون زندانهای سیاسی آغاز خواهد شد. و چنانچه نظاره گر دمکراسی کشی در همین زندانها باشیم و معترض نباشیم میتوان گفت وای به حال آینده ای پر ابهام برای مردم کشورمان!

امید زندانیان چپ مستقل و مجاهد هم اکنون به رسانه های متعهد و مستقل در انعکاس این نابرابری ها و فشارهای مضاعف درون زندان است زیرا که بنگاههای خبرپراکنی بی بی سی رادیو فردا و صدای آمریکا و ... در بست در اختیار اصلاح طلبان قرار دارد.

همین و بس!

بهروز سورن

25.12.2012

[sooren001@yahoo.de](mailto:sooren001@yahoo.de)